

شرح مشکلات خاقانی

دفتر چهارم

پنجنوش سلامت

دکتر عباس ماهیار

ماهیار، عباس، ۱۳۱۸- شرح مشکلات خاقانی / تالیف عباس ماهیار. - کرج: جام گل، ۱۳۸۲.

ج: مصور، جدول. --- (جام گل؛ ۳، ۱۱، ۱۶. تحقیقات ادبی؛ ۲، ۳، ۵

ISBN: 964-93046-2-2 (دوره)

ISBN: 964-93046-9-X (ج. ۱)

ISBN: 964-93046-3-0 ریال ۱۹۵۰۰ (ج. ۳)

ISBN: 964-8203-02-4 ریال: ۲۸۰۰ (ج. ۴)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۴).

کتابنامه

نمایه.

مندرجات: ج. ۱. ثری تا ثریا. - ج. ۲. خار خواریند و زندان (شرح معروف به قصیده نرسائید). - ج. ۳. نسیم صبح. -

ج. ۴. پنجشوش سلامت. -

۱. خاقانی، بدیل بن علی، ۵۳۰-۵۹۵ ق. دیوان - نقد و تفسیر، ۲. شعر فارسی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد، ۳. خاقانی، بدیل بن

علی، ۵۲۰-۵۹۵ ق. - نقد و تفسیر، الف. خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰-۵۹۵ ق. دیوان. شرح. ب. عنوان.

م/ش ۱۷۳ د خ ۱/۲۳ ف ۸

PIR2879 / م ۲ ش ۲

م ۸۰ - ۱۰۹۰۸

کتابخانه ملی ایران

شرح مشکلات خاقانی، دفتر چهارم (پنجشوش سلامت)

مؤلف: دکتر عباس ماهیار

ناشر: جام گل

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۶۵۰

لیثروگرافی و چاپ و صحافی: سازمان چاپ ۱۲۸

بها: ۲۸۰۰ تومان

شابک ۹۶۲-۸۲۰۳-۰۲-۲

شابک دوره‌ای ۹۶۲-۹۳۰۲۶۲-۲

نشانی: کرج، گلشهر، ۳۵ متری شهید حمید شمس، خیابان اختر شرقی، پلاک ۲۶

تلفکس: ۲۵۵۳۷۱۷ - ۰۲۶۱

کدپستی: ۳۱۳۸۷۱۵۹۳۱

فهرست مختصر عنوان‌های کتاب

۸	پیشگفتار.....
	گفتار یکم: کلیات؛ شامل
۱۵	۱- آباء علوی و امهات سفلی.....
۲۱	۲- اخلاط.....
۲۴	۳- مزاج؛ طبع.....
۲۷	۴- ارواح.....
۳۱	۵- مراتب وجود.....
۳۲	۶- تولید مثل.....
	گفتار دوم: برخی اصطلاحات مقدماتی در طب سنتی؛ شامل:
۴۳	۱- طب و طبیب و آسی.....
۴۵	۲- عطار، فصاد، کحال، پله‌ور.....
۴۶	۳- دارو، عقاقیر.....
۴۸	۴- داروخانه، داروکنده.....
۴۸	۵- بیماری، مرض، علت، بیمار، معلول.....
۵۰	۶- نشانه‌های بیماری.....
۵۷	۷- آثار و عوارض مراحل مختلف بیماری.....
۶۴	۸- وسیله‌های نشانه‌شناسی.....
۶۶	۹- ابزار و لوازم پزشکی در طب سنتی.....
	گفتار سوم: شیوه‌های مداوای بیمار؛ شامل:

۱- مواظبت از بیمار.....	۷۱
۲- اقدام به مداوای بیمار	۷۲
۳- پرداختن به سنت‌های حاکم بر جامعه.....	۷۹
گفتار چهارم: اندام‌های بدن و بیماری‌های آن‌ها:	
فصل یکم: اندام‌های اصلی، شامل:.....	۸۵
۱- سر.....	۸۵
۲- دماغ و آفات مغزی.....	۸۷
۳- قلب و بیماری‌های آن.....	۹۷
۴- جگر (کبد) و بیماری‌های کبدی.....	۱۰۰
فصل دوم: اندام‌های مفرد دیگر و بیماری‌های آن‌ها.....	۱۰۴
۱- چشم و بیماری‌های آن.....	۱۰۵
۲- گوش و بیماری‌های آن.....	۱۱۸
۳- لب و دهان و زبان و گلو و حنجره و بیماری‌های آن‌ها.....	۱۱۸
۴- بینی و بیماری‌های آن.....	۱۲۱
۵- بیماری‌های معده.....	۱۲۲
۶- بیماری‌های ریه.....	۱۲۵
۷- روده و بیماری‌های آن.....	۱۲۵
۸- زهره یا کیسه صفرا.....	۱۲۸
۹- آلات تناسلی و بیماری‌های زنان و مردان.....	۱۳۰
فصل سوم: اندام‌ها و شبکه‌های مشترک و پراکنده در تن.....	۱۳۸
۱- پوست و بیماری‌های پوستی.....	۱۳۸
۲- بیماری‌های عفونی.....	۱۴۰
۳- بیماری‌های دیگر در اندام‌ها.....	۱۵۰
۴- شبکه‌های گسترده در سرتاپای بدن.....	۱۵۱
گفتار پنجم: مداوای بیمار با دارو:.....	۱۶۵
فصل یکم: داروهای مفرد شامل:.....	۱۶۵
الف) داروهای گیاهی.....	۱۶۵

۲۰۹	ب) داروهای حیوانی
۲۲۶	ج) داروهای کانی
۲۳۸	فصل دوم: داروهای ترکیبی
۲۳۸	الف) خوردنی‌ها، معجون‌ها، جوارش‌ها، مفرح‌ها
۲۴۷	ب) نوشیدنی‌های ترکیبی
۲۵۴	ج) قرص‌ها
۲۵۶	د: داروها و مواد معطر
	گفتار ششم: زهرها و پادزهرها
۲۶۷	فصل یکم: زهرها
۲۶۷	الف) زهر یا سم
۲۶۸	۱- زهرها و یا سموم کانی
۲۶۸	۲- زهرها و یا سموم گیاهی
۲۶۸	۳- زهرها و یا سموم حیوانی
۲۷۳	فصل دوم: پادزهرها و تریاق‌ها
۲۷۴	الف) تریاق
۲۷۶	۱- تریاق‌های گیاهی
۲۷۶	۲- تریاق‌های کانی
۲۷۶	۳- تریاق‌های حیوانی
۲۷۶	۴- تریاق‌های ترکیبی
۲۸۰	گفتار هفتم: طب و اعتقادات دینی و آداب و عادات اجتماعی
۲۸۰	فصل یکم: طب و اعتقادات دینی
۲۸۶	فصل دوم: طب و آداب و عادات اجتماعی
۳۰۳	گفتار هشتم: طب و دانش‌های دیگر
۳۰۳	فصل یکم: علوم غریبه
۳۰۶	فصل دوم: علوم محتجبه
۳۱۵	فصل سوم: طب و نجوم

پیش‌گفتار

بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۲۷۶-۱۳۴۹) در کتاب سخن و سخنوران گفته است: «بعضی متقدمان پنداشته‌اند که بیش از پانصد بیت از ابیات استاد [خاقانی] دارای معنی محصل نیست و این سخن بیرون از انصاف است»^(۱).

آشنایی دقیق من با شعر خاقانی از آن روز آغاز شد که این عبارت را خواندم و جواب‌های استاد را نیز به دقت مرور کردم و می‌خواستم بدانم که چرا چنین گفته‌اند.

مشکل شعر خاقانی در کجاست و چگونه می‌توان به چونی و چندی آن پی برد. بررسی دیوان او - دست کم برای من - نشان داد که باریک‌اندیشی و تنوع‌طلبی دو مشخصه بارز شعر خاقانی است، چه خاقانی به نکته‌هایی می‌اندیشید که حتی باریک‌اندیشان نکته‌بین کرشمه‌عنایتی به آن نکات نشان نمی‌دهند. این موضوع در جای جای دیوان او به وضوح تمام خودنمایی می‌کند. او برای ابداع مضامین بکر خود مسیر پرپیچ و خم دانش‌های زمان خود را طی کرده و زوایای مختلف را به دقت نگریسته و در آن‌ها تأمل کرده و چون معانی جمع شده است گوی بیان زده و تا آنجا پیش رفته است که برخی او را فقیه و مفسر و فیلسوف و مورخ و طبیب و منجم دانسته‌اند و در واقع چنان نیست، بلکه او برای بیان مضامین به جستجوی

۱- بدیع‌الزمان فروزانفر، سخن و سخنوران، شرکت انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۰، ص ۶۱۶ و در حاشیه همان صفحه توضیح داده شده است که عبدالوهاب حسینی در مقدمه‌ای که برای شرح ابیات دیوان خاقانی نوشته است این سخن را به عرفی شیرازی نسبت داده است.

ترکیب‌های کنایی خاص و ایماها و اشارات و تلمیحات پیچیده تو بر تو پرداخته و از آن‌ها لباسی نو بر تن زاده قریحه خویش پوشانیده است. در نتیجه ژرف‌نگران انگشت حیرت به دندان گزیده و او را کیمیاگر ساحر نامیده‌اند و ظاهربینان بیش از پانصد بیت از اشعار او را دارای معنای محصل ندانسته‌اند.

گوشه‌ای از تأمل شاعر را در بیت ساده زیر بنگرید تا با نگارنده هم‌داستان شوید: نشگفت اگر چو آهوی چین مشک برده‌م

چون سربه خورد سنبل و بهمن درآورم

دیوان: ۲۴۱

کشف رابطه میان سنبل و بهمن با مشک، نیازمند توغل در آثار طب سنتی است و خاقانی این نکته را برای مخاطبان خود باقی گذاشته است. این سینا در کتاب قانون در طب گفته است: بهترین مشک آن است که آهوی آن بهمن و سنبل خورده باشد^(۱) آگاهی از این نکته کلید حل مشکل بیت است.

در این دفتر نویسنده این سطور بر آن است که بکوشد تا گوشه‌هایی از باریک‌اندیشی‌های خاقانی را در موضوعات طبی نشان دهد و داوری در توفیق یا عدم توفیق را محک نظر پژوهشگران و دانشی‌مردان آگاه و بصیر رقم خواهد زد. در پایان این مقدمه یادآوری نکاتی چند ضروری می‌نماید:

الف: تعریف‌ها برای معرفی داروها و مصطلحات طبی غالباً از فرهنگ فارسی معین و یا دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب اخذ و اقتباس شده است و در مواردی که مطلب عیناً از آن دو کتاب نقل شده است در پایان تعریف به آن‌ها اشاره شده است.

ب: در این کتاب گاه به تأثیر داروها با توجه به کیفیت مزاجی آن‌ها اشاره شده است و در طب امروز از نظر طبی جایگاهی ندارد اما پزشکان طب سنتی با توجه به همین خواص به تجویز این داروها اقدام می‌کردند. موفق‌الدین ابومنصور هزوی در آغاز کتاب خود داروها را در چهار درجه و با چهار مزاج دسته‌بندی کرده است. آن‌هایی که در درجه اول قرار دارند غذا نامیده شده‌اند و داروهایی که در درجه دوم

واقع‌اند هم غذا و هم دارو خوانده شده‌اند و آنچه در درجه سوم‌اند تنها دارو گفته شده‌اند و ادویه جای گرفته در درجه چهارم به زهر و سم موسوم شده‌اند. و داروهای هر درجه‌ای را با توجه به کیفیات چهارگانه به «گرم و خشک» و «گرم تر» و «سرد و خشک» و «سردتر» تقسیم کرده است^(۱). آرای طبای قدیم درباره درجات داروها متفاوت است اما در باب مزاج آن‌ها غالباً متفق‌القول‌اند. و این یادداشت پاسخ برای کسانی است که جوای چگونگی مزاج‌های ادویه هستند که در این کتاب یاد شده است.

ج: در کتاب‌های طب سنتی برای هر یک از داروهای مختلف خواص درمانی بسیاری ذکر شده است مثلاً آنچه درباره «لادن» آمده است با دخل و تصرف به این شرح است: لادن گیاهی است و شیرابه‌ای ترشح می‌کند و شبمی که بر این گیاه می‌نشینند از شیرابه تأثیر می‌پذیرد و ماده‌ای خوشبوی از آن حاصل می‌شود. لادن از گیاهان مورد علاقه بز است و بزها به هنگام چریدن تن و گردن و دست و پای خود به آن می‌سایند و ماده معطر بر موی اندام بزها می‌نشیند و روستائیان آن را جمع‌آوری می‌کنند و ماده‌ای خوشبوی از آن به دست می‌آورند، بهترین نوع آن چرب و سنگین و زرد رنگ قبرسی است مزاج آن گرم و خشک است و اگر شراب و روغن آس بر آن افزوده شود مواد تبه‌زیرپوست را تحلیل می‌برد و موجب افزونی و تراکم موها می‌شود و برای جلوگیری از طاسی مفید است و بعضی‌ها گفته‌اند: زخم‌های وخیم و صعب‌العلاج را بهبود می‌بخشد و مخلوط آن با روغن گل مسکن درد گوش است و خوردنش آرام‌بخش سرفه و سینه...^(۲). در این کتاب به هنگام بحث از مضامین مربوط به لادن غالباً به مطالبی توجه شده است که مطمح نظر خاقانی بوده است مثلاً از همه خواصی که برای لادن برشمردیم به معطر بودن و شیوه به دست آوردن آن در مضامین اشعار توجه شده است ما نیز به ذکر آن‌ها بسنده کرده‌ایم سرانجام سپاسگزاری از هم‌کاران و دوستانی را که برای به ثمر

۱- موفق‌الدین ابومنصور هروی، الابنیه عن حقائق الادویه، به اهتمام احمد بهمن‌یار، انتشارات دانشگاه تهران،

رسیدن این دفتر یار و مددکارم بوده‌اند وظیفه مسلم خود می‌دانم و تشکر از خانم‌ها و آقایان: دکتر اسماعیل صادقی و دکتر اکرم گلشنی و دکتر محمدرضا عمران پور شهرضا و سرکار خانم فریده سمیعی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی را بر خود فرض می‌شمارم.

عباس ماهیار

بهار ۱۳۸۴

گلشهر کرج